دوماهنامهٔ جستارهای زبانی
د۷، ش۲ (پیاپی ۳۰)، خرداد و تیر ۱۳۹۵، صص۲۰۷-۲۲۲

بررسی گروه حرف تعریف در زبان فارسی برپایهٔ برنامهٔ کمینه‌گرا

بهرام مدرسی[۱*]، نغمه ذوقی[۲]

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران
۲. کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز ، تهران، ایران

دریافت: ۹۳/۱۱/۸ پذیرش: ۹٤/۲/۲

چکیده

این مقاله در پی بررسیِ این موضوع است که در زبان فارسی و در قالب برنامهٔ کمینه‌گرا، کدام‌یک از الگوهای گروه اسمی و گروه حرف تعریف، توصیفی دقیق‌تر از روابط هسته و وابسته ارائه می‌دهد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع انگلیسی و مقایسهٔ آن با زبان فارسی انجام شده است. داده‌های فارسی را با استفاده از شم زبانی به‌دست آورده و نمونه‌هایی انتخاب شده‌اند که بتوانند تفاوت میان دو الگو در آن‌ها نشان داده شود. در این پژوهش دو الگو ــ یکی به‌صورت طرح سنتی که در آن اسم، هستهٔ گروه اسمی فرض شده و دیگری الگوی حرف تعریف که گروه اسمی، متمم حرف تعریف درنظر گرفته شده ــ به‌کاررفته است. براین‌اساس، عبارت‌های اسمی درقالب نمودارهای درختی ترسیم شده‌اند و با مقایسه آن‌ها در دو قالب گروه حرف تعریف و گروه اسمی مشاهده شده است که الگوی گروه حرف تعریف قادر به توصیف و بازنمایی دقیق‌تر عبارت‌های اسمی است و در ترسیم روابط ساختاری جمله می‌تواند جایگزین مدل گروه اسمی شود.

کلیدواژه‌ها: ایکس تیره، برنامهٔ کمینه‌گرا، ادغام، گروه اسمی، گروه حرف تعریف.

۱. مقدمه

دستور زایشی که با کتاب ***ساخت‌های نحوی***[۱] چامسکی[۲] در سال ۱۹۵۷ معرفی شد، تاکنون تحولات فراوانی را به‌خود دیده است. آخرین صورت دستور زایشی یا همان برنامهٔ کمینه‌گرا از مهم‌ترین دستاوردهای این مکتب است و همان‌گونه که نام آن نشان می‌دهد، تنها یک رویکرد و برنامهٔ پژوهشی است و نه نظریه‌ای مدّون (Hornstein & et al., 2005: 6). این برنامه اساساً مبتنی‌بر نظریهٔ اصول و پارامتر است و هدف آن تبیین اصول اولیهٔ این نظریه، به‌ویژه اصل اقتصاد[۳] است (Culicover & Jackendoff, 2005: 88) برپایهٔ اصل اقتصاد، ساخت‌های زبانی بهینه‌اند[٤]؛ یعنی مناسب‌ترین‌اند. بنابراین،

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: Bah.modarresi@iauctb.ac.ir

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

بهینگی، حاصل اقتصاد در اشتقاق و نمود ساخت‌های زبانی است (Chomsky, 1995: 171). روح حاکم‌بر برنامهٔ کمینه‌گرا، مبتنی‌بر حداکثر اختصار در نظریه است. در دستور زایشی، گروه اسمی[۵] و وابسته‌های آن از دیرباز موردتوجه بوده‌اند. در طرح اولیهٔ نظریهٔ ایکس تیرهٔ[۶] چامسکی (1970)، جایگاه مشخص‌گر[۷] گروه اسمی متعلق به طبقهٔ تعیین‌کننده‌ها[۸] بود و حروف تعریف گروهی از این تعیین‌کننده‌ها به‌شمار می‌رفتند. بعدها جکندوف[۹](1977) این جایگاه را به‌صورت ملکی گروه‌های اسمی نیز تعمیم داد. ابنی[۱۰] (1987) با بررسی گروه‌های اسمی و ارائهٔ شواهد نظری و تجربی فراوان ثابت کرد، گروه‌های اسمی، خود درون گروه نقشی دیگری به نام گروه حرف تعریف[۱۱](DP) قراردارند که در هستهٔ[۱۲] آن عناصر تعریف جای می‌گیرند. به‌عبارت‌دیگر، گروه حرف تعریف فرافکن[۱۳] بزرگ‌تر و دربردارندهٔ گروه اسمی است که دراین‌صورت، گروه اسمی متمم[۱۴] حرف تعریف یعنی هسته، خواهد بود. در کارهای زایشی اخیر گروه حرف تعریف به‌صورت معمول، به‌عنوان هستهٔ نقشی فرافکن گروه اسمی در جایگاه D واقع شده است (Alexiadou & et al., 2007: 79). گروه حرف تعریف در قالب نظریه‌های نوین زبان‌شناختی (مانند برنامهٔ کمینه‌گرا) کمتر در زبان فارسی بررسی شده است.

بنابراین پرسش اصلی آن است که کدام‌یک از الگوهای گروه حرف تعریف و گروه اسمی، توصیفی دقیق‌تر از روابط هسته و وابسته ارائه می‌دهند؟ فرضیهٔ موردنظر در این پژوهش به این صورت است که الگوی گروه حرف تعریف، توصیفی دقیق‌تر از روابط هسته و وابسته در زبان فارسی صورت می‌دهد.

برای رسیدن به پاسخ، نگارندگان روش توصیفی‌ـتحلیلی را به‌کارگرفته‌اند. گردآوری داده‌ها به روش اسنادی صورت گرفته است و تحلیل داده‌ها با بررسی گروه‌های اسمی متنوع ـــ که وابسته‌های متفاوتی را دربرمی‌گیرند ـــ صورت گرفته است. نخست، براساس الگوی حرف تعریف و گروه اسمی، جایگاه هسته و وابسته در نمونه‌ها تعیین شده و سپس به روش توصیفی ـتحلیلی، این ساخت‌هامقایسه شده‌اند و برتری یا نقاط ضعف هریک از آن‌ها مشخص شده است.

۲. پیشینه پژوهش

۱-۲. پژوهشگران ایران

بررسی سوابق پژوهشی مربوط به موضوع گروه حرف تعریف نشان می‌دهد، پژوهش‌های اندکی دربارهٔ این موضوع در زبان فارسی انجام شده است که می‌توان به معظمی (۱۳۸۵)، صحرایی (۱۳۸۹) و مشکوةالدینی (۱۳۹۰) اشاره کرد. معظمی (۱۳۸۵) به بررسی ویژگی‌ها و جایگاه‌های بعضی از عناصر گروه تعریف در زبان فارسی پرداخته است. او نقش کسرهٔ اضافه را بازبینی حالت ذاتی عناصر، درون حوزهٔ اضافه درنظر گرفته و با تعیین گروه نقشی حالت که هستهٔ آن کسرهٔ اضافه است، چگونگی بازبینی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

حالت عناصر درون حوزهٔ اضافه را ازراهِ این گروه توضیح داده است و سپس به بررسی ساخت بخشی در زبان فارسی پرداخته و جایگاه و ویژگی‌های کمیت‌نماها، اعداد و ممیزها را در این ساخت تعیین کرده است. صحرایی (۱۳۸۹) نیز ضمن بررسی ساختمان گروه اسمی در زبان فارسی نشان داده است، بیشتر سازه‌های این گروه یا از یکدیگر مستقل‌اند یا وابسته‌های گروه موسوم به گروه حرف تعریف هستند. او جایگاه ساختاری تمام سازه‌های مرتبط با موضوع این مقاله را براساس رویکرد کمینه‌گرا در نمودار درختی نشان داده و گروه مالکیت، گروه حرف اضافه و گروه کمی‌نما را در زبان فارسی تحلیل کرده‌است. او در این مقاله ادعا کرده که گروه اسمی در غالب موارد، وابستهٔ یکی از این گروه‌ها است. سپس در بخش‌های پایانی به بررسی موجودیت گروه حرف تعریف در زبان فارسی پرداخته و ضمن تأیید وجود چنین گروهی در فارسی، شواهدی نیز ارائه نموده است. همچنین مشکوةالدینی (۱۳۹۰) گروه حرف تعریف را با نام گروه حرف‌وابسته‌ای معرفی کرده و گفته است، در نظریهٔ اصول و پارامترهای ساختی و نحو چندسطحی در سه دههٔ اخیر، گروه نقشی حرف‌وابسته‌ای نیز شناخته و تعریف شده است. درنتیجه، حروف وابستهٔ این، آن، کدام، چه، هر و جز این‌ها به‌عنوان هسته، گروه نقشی خاص خود را یعنی گروه حرف وابسته‌ای را دارند و گروه اسمی در جایگاه متمم گروه حرف تعریف قراردارد.

۲-۲. پژوهشگران غیرایرانی

لازم به ذکر است، پژوهشگران غیرایرانی مانند روتکوفسکی[۱۵](2002) و دسپیچ[۱۶](2009) دربارهٔ گروه حرف تعریف پژوهش‌های فراوانی انجام داده‌اند. بیشتر این پژوهش‌ها، به این مسئله پرداخته‌اند که آیا تمام زبان‌ها و نیز زبان‌های بدون حرف تعریف، دارای گروه حرف تعریف آشکار یا پنهان هستند یا خیر. روتکوفسکی (2002) در پژوهش خود به تجزیه و تحلیل عبارت‌های اسمی براساس الگوی ابنی (1987) در زبان لهستانی پرداخته است. به‌نظر وی در زبان لهستانی مقوله‌های نقشی وجود دارند که با اسم همراه می شوند و به‌علتِ عدم وجود حروف تعریف واژگانی در این زبان، حضور D به‌صورت‌های دیگر تجلی می‌یابد. جایگاه D جایگاهی است برای ارتقاء آشکار N به D در ساختی مشخص به همراه اعداد[۱۷]، کمی‌نماها[۱۸] و صفات وابسته. افزون‌براین، شاهدی است برای دیگر فرافکن‌های نقشی[۱۹] که میان DP و NP قراردارند. هستهٔ این گروه (فرافکن نقشی میان DP و NP) میزبان اعداد بوده و روتکوفسکی آن را برای ارتقاء عناصری مانند ضمیرِ something درنظرمی‌گیرد.

ازدیدگاهِ دسپیچ (2009) بحث‌های بسیاری دربارهٔ ساختار گروه اسمی در زبان صرب و کرواتی و به‌طورکلی زبان اسلاوی وجود دارد. از یکسو زبان‌شناسانی همچون پروگواس[۲۰] (1998) و باسیچ[۲۱] (2004) از فرضیه جهانی گروه حرف تعریف (UDPH)[۲۲] حمایت می‌کنند و معتقداند که تمام زبان‌ها و نیز زبان‌های بدون حرف تعریف شبیه صرب و کرواتی DP آشکار یا پنهان دارند و ازسوی‌دیگر،

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

کسانی چون بوشکوویچ[۲۳] (2005 ;2008)، کورور[۲۴] (1990) و زلاتیک[۲۵] (1997) پذیرفته‌اند که زبان‌های بدون حرف تعریف همچون صرب و کرواتی فرافکن DP ندارند و دارای فرافکن‌های اسمی هستند. دسپیچ در این پژوهش به دنبال نظریهٔ گروه دوم است و اعتقاد دارد زبان‌های صرب و کرواتی گروه حرف تعریف ندارند و DP فرافکنی جهانی نیست.

۳. چارچوب نظری

۱-۳. برنامه کمینه‌گرا

در سال ۱۹۹۲، چامسکی برای نخستین‌بار برنامهٔ کمینه‌گرای خود را معرفی کرد. مهم‌ترین اصل این برنامه حذف تمامی ویژگی‌های زبانی بود که به نحوی بتوان آن‌ها را از اصول کلی‌تر به‌دست آورد. از نتایج اولیهٔ این رویکرد حذف دو سطح ژساخت[۲۶] و رساخت[۲۷] و زیرنظریهٔ حاکمیت[۲۸] بود. چکیدهٔ ویژگی‌های اصلی برنامه کمینه‌گرا از نظر چامسکی چنین است:

۱. برنامهٔ کمینه‌گرا در چارچوب رویکرد اصول و پارامترها است؛

۲. تنها سطوح زبانی مطرح، صورت منطقی و صورت آوایی هستند؛

۳. پودمان دستوری محصور به سامانه‌های کنشی شناختی و آوایی است؛

٤. فرایند اصلی نحوی، فرایند ادغام است (زاهدی، ۱۳۸۸: ۳٦-۳۵).

بوئکس[۲۹] (2006) معتقد است کمینه‌گرایی از موفقیت نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی پدیدار شده است. او همچنین به این موضوع اشاره می‌کند که چامسکی در همهٔ نوشته‌های خود کمینه‌گرایی را یک برنامه دانسته و نه یک نظریه. در این برنامه نظام زبان از دو بخش اصلیِ واژگان و نظام محاسباتی[۳۰] تشکیل می‌شود. در برنامهٔ کمینه‌گرایی، نظام محاسباتی مدخل‌های واژگانی را برمی‌گزیند و ازراهِ فرایند ادغام[۳۱]، نمودارهای درختی تشکیل می‌شوند و اشتقاق جمله‌ها به‌دست‌می‌آید. در طرح‌های بعدی و متأخرتر برنامهٔ کمینه‌گرایی، عملکرد جدیدی با عنوانِ فرایند مطابقت[۳۲] در نظام محاسباتی پیشنهاد شد (Hornstein & et al., 2005: 317, quoted from:۲۷ :۱۳۹۳ حیدری و روحی).

۱-۱-۳. ادغام

در برنامه کمینه‌گرا سطح ژساخت و رساخت حذف شده‌اند و آن بخش از زبان که نحو نام دارد، نظام محاسباتی به‌شمارمی‌آید که مشتمل‌بر فرایندهای ادغام و حرکت است. نخستین فرایند نحوی که در نظام محاسباتی رخ می‌دهد، ترکیب یا ادغام عناصر واژگانی با یکدیگر است (گلفام، ۱۳۹۰: ۱٤۵).

در فرایند ادغام، براساس اطلاعات موجود در مدخل‌های واژگانی، هسته‌ای با متمم خود ادغام می‌شود و گره فرافکن میانی به‌دست‌می‌آید. پس از ادغام مشخص‌گر با این گره، گره فرافکنِ بیشینه

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تشکیل می‌شود. این گره فرافکن بیشینه، خود متمم هسته‌ای دیگر واقع می‌شود که با ادغام آن‌ها گره فرافکن میانی آن هسته شکل می‌گیرد. این گره، خود با گره مشخص‌گرش ادغام می‌شود و گره فرافکن بیشینهٔ آن پدید می‌آید. بنابراین در فرایند ادغام، درخت‌سازی از پایین به طرف بالای نمودارهای درختی پیش می‌رود، درصورتی که در نظریهٔ ایکس تیره سوی تشکیل درخت‌ها از بالا به پایین است (دبیرمقدم، ۱۳۹۰: ۶۰۵-۶۰۶).

فرایند ادغام سازه‌های نحوی از دو اصل زیر پیروی می‌کند:

الف) اصل هسته‌داری[۳۳]: براساس این اصل هر ساخت نحوی فرافکنی از واژهٔ هسته است (Radford, 2004: 61)، اصل هسته‌داری مشخص می‌کند، هر گروهی (فرافکنی) باید دارای هسته باشد؛ بنابراین، برای نمونه گروه اسمی باید شامل یک هسته اسم باشد (*Ibid*: 325)؛

ب) اصل دوشاخه‌ای بودن[۳۴]: هر ساخت نحوی ادغام دوشاخه‌ای دارد (*Ibid*: 61).

نمونه‌ای از فرایند ادغام، در نمودار ۱ که مربوط به ادغام گروه حرف تعریف است، دیده می‌شود که در آن، گروه اسمی متمم هسته حرف تعریف واقع می‌شوند. از ادغام آن دو گره حرف تعریف میانی یعنی 'D شکل می‌گیرد. از ادغام این گره با مشخص‌گر خود، گروه حرف تعریف یعنی ''D پدید می‌آید. هستهٔ حرف تعریف شامل حروف تعریف مانندthose, these, that, this, a, the، نشانهٔ ملکی 's و ضمیرهای شخصی همچون she, he و we می‌شود. گاه ممکن است، این مقولهٔ نقشی تهی باشد. گاه ممکن است، به‌تنهایی حضور داشته باشد و از متمم بالقوهٔ آن یعنی ''N استفاده نشده باشد (Radford, 1997: 45-46, 159, 278, quoted from: دبیرمقدم، ۱۳۹۰: ۶۰۷-۶۰۸).

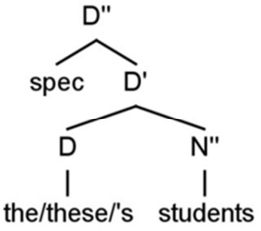

نمودار ۱
Fig. 1

نمودار ۱، مؤید همان تحلیلی است که ابنی (1987) در قالب فرضیهٔ گروه حرف تعریف مطرح کرد. او (*Ibid*) معتقد بود، چنانچه حرف تعریف را وابستهٔ گروه اسمی قراردهیم، برخی از ساخت‌های

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

دستوری قابلیت توصیف نخواهند داشت؛ درحالی‌که اگر آن را هستهٔ یک گروه جداگانه درنظربگیریم و گروه اسمی متمم آن درنظر گرفته شود، آن‌گاه، بسیاری از ساخت‌هایی که در قالب الگوی گروه اسمی قابل‌توصیف نیست به توصیف درخواهدآمد. در نمودار ۲، این دو الگو به تصویر کشیده شده است:

الگوی گروه حرف تعریف (DP)		الگوی گروه اسمی (NP)

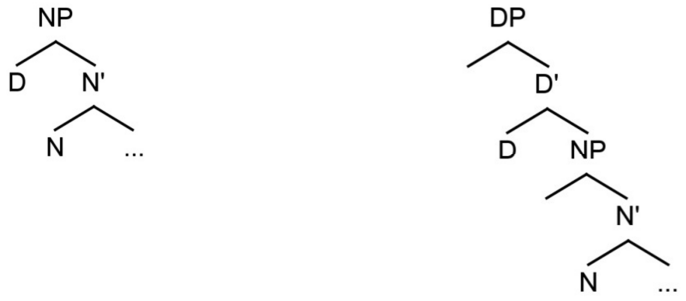

نمودار ۲ مقایسهٔ الگوی DP و NP

Fig. 2: Comparison of DP & NP Models

۴. روش پژوهش

در این پژوهش، نخست ۲۲ نمونه، براساس شم زبانی انتخاب شده‌اند. در انتخاب نمونه‌ها کوشش بر این بوده است که تنوع لازم رعایت شود و گروه‌های اسمی انواع وابسته‌ها را به خود بگیرند. نمونه‌ها از الگوهای ساده‌تر به پیچیده‌تر طبقه‌بندی شده‌اند؛ سپس در قالب دیدگاه کمینه‌گرا و به روش ادغام در دو الگوی گروه حرف تعریف و گروه اسمی، ترسیم شده‌اند و کوشش بر این بوده است که با به‌کارگیری یک روش توصیفی‌ـتحلیلی و مقایسهٔ نمونه‌ها بتوان به این نتیجه رسید که کدام‌یک از آن‌ها توصیفی دقیق‌تر از روابط هسته و وابسته ارائه خواهد کرد. همچنین تلاش بر این بوده که مشخص شود کدام الگو در توصیف ساختمان گروه اسمی کارآمدتر است؟

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش به بررسی و مقایسهٔ نمونه‌ها در دو الگوی گروه حرف تعریف و گروه اسمی پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه فرضیهٔ موردنظر در این پژوهش این است که مدل گروه حرف تعریف، توصیفی دقیق‌تر از روابط هسته و وابسته در زبان فارسی صورت می‌دهد، اکنون چند نمونه از داده‌ها

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

بررسی می‌شوند:

برای نمونه در گروه اسمی «آن سال بی‌خاطره»، روابط ساختاری اجزاء آن در قالب گروه حرف تعریف و گروه اسمی به‌صورت نمودارهای ۳.الف و ۳.ب بازنمایی می‌شوند:

۱. آن سالِ بی خاطره:

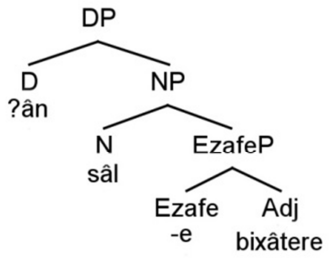

نمودار۳. الف) مدل گروه حرف تعریف

Fig. 3-1: DP Model

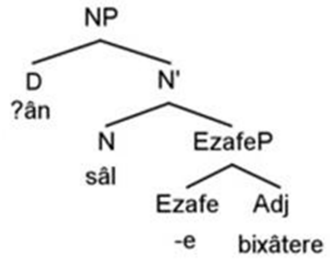

نمودار۳. ب) مدل گروه اسمی

Fig. 3-2: NP Model

در نمونهٔ ۳.الف، نمودار درختی براساس مدل گروه حرف تعریف است. در این نمودار ʔân حرف تعریف است و در جایگاه هستهٔ حرف تعریف قرارگرفته است و نمونهٔ ۳.ب، نمودار درختی براساس مدل گروه اسمی است و ʔân حرف تعریفی است که در جایگاه مشخص‌گر گروه اسمی قرارگرفته است. هر دو نمودار قادر به بازنمایی این گروه اسمی هستند؛ ولی با توجه به نظر کوک و نیوسان (۱۳۸۹) غالباً این حرف تعریف است که ویژگی معرفه بودن یا غیرمعرفه بودن را به کل گروه می‌دهد نه اسم ، پس حرف تعریف ʔân در جایگاه هستهٔ گروه حرف تعریف، ویژگی معرفه بودن را به اسم پس از خود

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

می‌دهد. بنابراین توصیفی بهتر از روابط میان هسته و وابسته دارد.

۲. همهٔ آن سال‌های بی‌خاطره (مثل برق و باد گذشت.)

در نمونهٔ بالا با افزودن «همه» به آغاز گروه اسمی «آن سال‌های بی‌خاطره» بـه بررسـی و مقایسـه آن در گروه حرف تعریف و گروه اسمی پرداخته شده است. می‌بینیم که «همه» پیش از صـفت اشـارهٔ «آن» در گروه اسمی واقع می‌شود؛ اما درصورت جابه‌جایی آن با صورت غیردستوری زیر روبه‌رو می‌شویم:

۳. * آن همهٔ سال‌های بی‌خاطره

درصورتی‌که «همه» پس از گروه اسمی «آن سال‌های بی‌خاطره» بیاید، گـروه اسـمی بـه‌دسـت‌آمـده دستوری خواهد بود؛ پس به‌نظر می‌رسـد کـه «همـه» گـروه مسـتقلی را تحـت عنـوان گـروه کمیـت‌نمـا به‌وجودمی‌آورد و می‌تواند به‌صورت زیر به شکل شناور تبدیل شود.

۴. آن سال‌های بی‌خاطره همه:

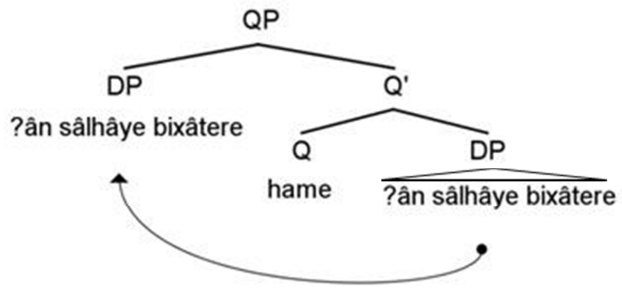

نمودار ۴. الف) مدل گروه حرف تعریف

Fig 4-1: DP Model

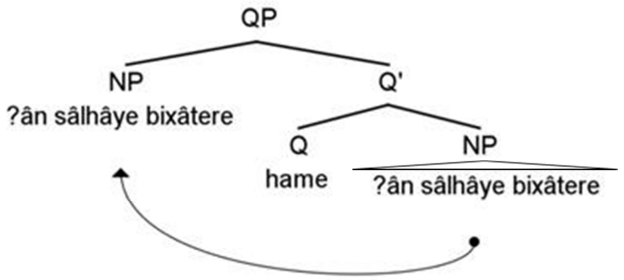

نمودار۴. ب) مدل گروه اسمی

Fig 4-2: NP Model

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

با توجه به تحلیل بالا، نیز نمی‌توان برتریِ گروه حرف تعریف را بر گروه اسمی ارزیابی کرد و هردو الگو در بازنمایی کمّی نمای شناور کارآمد هستند. اکنون به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۵. آن آپارتمانی که دیدم/* آنی آپارتمان که دیدم.

٦. این کتابی که می‌خوانم/ * اینی کتاب که می‌خوانم.

۷. همین لباسی که می‌پوشم/* همینی لباس که می‌پوشم.

۸. همان مردی که در خیابان دیدم/ * همانی مرد که در خیابان دیدم.

وقتی i- نکره در کنار حروف تعریف «این»، «آن»، «همین» و «همان» می‌آید، عبارت غیردستوری خواهند شد. با توجه به اینکه سازه‌هایی که کارکرد دستوری یکسانی دارند و در توزیع تکمیلی نیز هستند و به یک مقولهٔ دستوری تعلق می‌گیرند، می‌توان نتیجه گرفت که i- نکره نیز یک حرف تعریف است. حال باید دید، کدام‌یک از دو مدل گروه اسمی و گروه حرف تعریف در گروه «کتابی که می‌خوانم» توصیفی بهتر ارائه می‌دهند که این مسئله در نمودار ۵ الف و ب نشان داده شده است:

۹. کتابی که می‌خوانم:

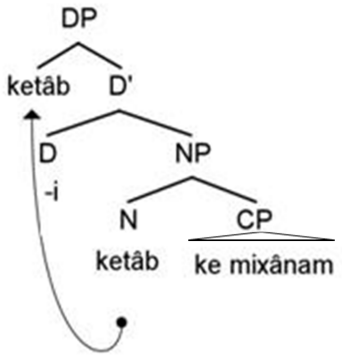

نمودار ۵. الف) مدل گروه حرف تعریف

Fig 5-1: DP Model

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

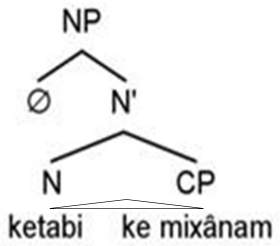

نمودار ۵. ب) مدل گروه اسمی
Fig 5-2: NP Model

در مدل گروه حرف تعریف، i- نکره در جایگاه هستهٔ نقشی حرف تعریف قراردارد و ketâb هسته گروه اسمی است؛ بنابراین جایگاه مشخص‌گر گروه حرف تعریف خالی است و ketâb به طرف بالا حرکت کرده و در این جایگاه قرارمی‌گیرد؛ ولی در الگوی گروه اسمی جایگاهی برای حرف تعریف i- نکره وجود ندارد. در اینجا، الگوی گروه حرف تعریف توصیفی بهتر از جمله ارائه داده و نقطهٔ قوت این الگو، داشتنِ جایگاهی برای حرف تعریف است.

اکنون با افزودن حرف تعریف «این» به نمونه شمارهٔ ۱۰، این دو الگو با یکدیگر مقایسه می‌شوند:

۱۰. این کتابی که می‌خوانم...

با توجه به اینکه سازه‌های «این» و «i-» نکره هر دو به مقولهٔ حرف تعریف تعلق دارند، چگونه ممکن است، هردو در ساخت این گروه اسمی ظاهر شوند. چنانچه بخواهیم این ساخت را براساس الگوی حرف تعریف و الگوی قدیم به نمایش درآوریم، به‌ترتیب به نمودارهای ٦.الف و ٦.ب دست خواهیم یافت:

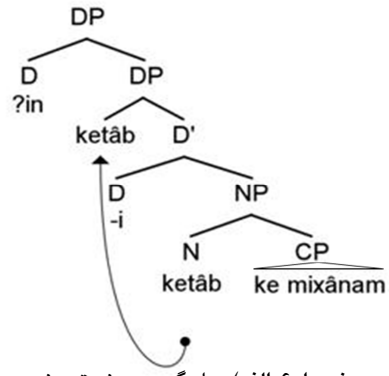

نمودار۶. الف) مدل گروه حرف تعریف
Fig. 6-1: DP Model

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

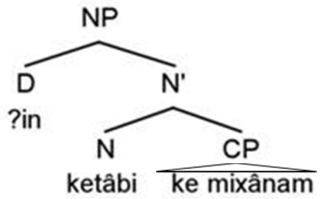

نمودار ۶. ب) الگوی گروه اسمی

Fig. 6-2: NP Model

در نمونه ۱۰ (نمودار ٦.الف) یا الگوی گروه حرف تعریف ?in و i- نکره که هر دو به مقوله حرف تعریف تعلق دارند، در جایگاه هسته D دو فرافکن DP قرارمی‌گیرند؛ اما در نمودار ٦.ب در الگوی گروه اسمی ?in در جایگاه مشخص‌گر گروه اسمی قرارمی‌گیرد و برای i- نکره که حرف تعریف است نمی‌توان جایگاهی درنظرگرفت. نتیجه می‌گیریم که در این جمله گروه حرف تعریف کارآمدتر است و توصیفی بهتر از جمله ارائه می‌دهد. البته در الگوی قدیم می‌توان چنین فرض کرد که گروه حرف تعریفی که هسته‌اش i- نکره است، جایگاه متمم گروه اسمی را اشغال کند و ساختار زیر ترسیم شود:

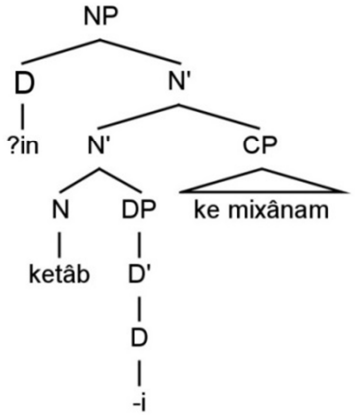

نمودار ۷

Fig 7

اما در چنین حالتی اصل دوشاخه‌ای بودن دربارهٔ این DP درونی به چالش کشیده می‌شود و درنهایت، نمی‌توان به چنین ساختی دست یافت.

در برنامهٔ کمینه‌گرا، ضمایر جایگاه هستهٔ گروه حرف تعریف را نیز به خود اختصاص می‌دهند

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

(Radford, 1997). اکنون به نمونه های زیر توجه کنید:

۱۱. ما دانشجویان با این طرح موافقیم.

۱۲. ما موافقیم.

در نمونهٔ ۱۱، آنچه که با فعل «موافقیم» مطابقت دارد، ضمیر «ما» است، نه گروه اسمی دانشجویان. با توجه به اینکه به‌کارگیری هم‌زمان ضمایر و حروف تعریف امکان‌پذیر نیست؛ پس ضمایر نیز جزو حروف تعریف درنظر گرفته می‌شوند و جایگاه هستهٔ گروه حرف تعریف را به خود اختصاص می‌دهند. به‌این‌ترتیب، نمودارهای ۸. الف و ب را می‌توان ترسیم کرد:

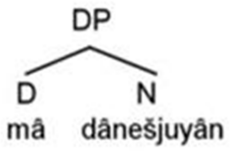

نمودار ۸. الف) مدل گروه حرف تعریف

Fig. 8-1: DP Model

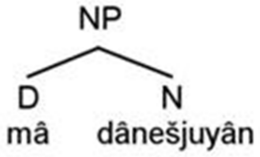

نمودار ۸. ب) مدل گروه اسمی

Fig. 8-2: NP Model

ازنظرِ ادغام، هر دو الگو قادراند، ساخت موردنظر را بازنمایی کنند؛ ولی با توجه به مطابقهٔ فعل با ضمیر «mâ» الگوی DP ارجح خواهدبود.

از همین دست است نمونه‌هایی مانند:

۱۳. شما معلمان این دبیرستان معتقدید که ...

۱٤. ما (مسلمانان) که معتقد به دین اسلام هستیم.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۶. نتیجه‌گیری

با بررسی نمونه‌ها ازراهِ ترسیم نمودارهای درختی و مقایسهٔ آن‌ها در دو قالب گروه حرف تعریف و گروه اسمی، نتایجی بدین‌شرح مشهود است:

۱. در الگوی گروه حرف تعریف، حروف تعریف در جایگاه هسته قراردارند و خواص دستوری خود را به اسم پس از خود می‌دهند.

۲. در گروه‌های اسمی با «i-» نکره، الگوی گروه حرف تعریف جایگاهی برای i- نکره دارد؛ ولی الگوی گروه اسمی فاقد چنین جایگاهی است، پس الگوی گروه حرف تعریف است که توصیفی دقیق‌تر از روابط میان هسته و وابسته را در این‌دست از نمونه‌ها ارائه داده است.

۳. در ساخت‌های بدلی مانند «ما دانشجویان»، «شما معلمان»، و غیره هر دو الگو گروه اسمی و گروه حرف تعریف، قادر به بازنمایی روابط هسته و وابسته هستند. با این تفاوت که ویژگی‌های شخص و شمار فعل فقط با هستهٔ D منطبق است. پس نمودار DP این تطابق را بهتر بازنمایی می‌کند.

بنابراین در پاسخ به این پرسش که در زبان فارسی و در قالب برنامهٔ کمینه‌گرا، کدام‌یک از الگوهای گروه اسمی و گروه حرف تعریف توصیفی دقیق‌تر از روابط هسته و وابسته ارائه می‌دهد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که گروه حرف تعریف توصیفی دقیق‌تر از از روابط هسته و وابسته ارائه می‌دهد و به‌این‌ترتیب فرضیهٔ این پژوهش تأیید می‌شود. تاکنون به شکلی که در این مقاله، گروه‌های اسمی و گروه‌های حرف تعریف روابط هسته و وابسته را به تصویر می‌کشند، مورد توجه دیگر پژوهشگران قرارنگرفته است. این مقاله نشان داد که برپایهٔ فرضیهٔ گروه حرف تعریف، در تحلیل‌های دستوری صورت‌گرا در زبان فارسی نیز این الگو ارجح است و در ترسیم روابط ساختاری جمله می‌تواند جایگزین مدل گروه اسمی شود.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. syntactic structures
2. Chomsky
3. principle of economy
4. optimal
5. noun phrase
6. X-bar theory
7. specifier
8. determiners
9. Jackendoff
10. Abney

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

11. determiner phrase
12. head
13. projection
14. complement
15. Rutkowski
16. Despić
17. numeral
18. quantifier
19. functional projection
20. Progovac
21. Basić
22. universal determiner phrase
23. Bošković
24. Corver
25. Zlatic
26. D-Structure
27. S-Structure
28. government
29. Boeckx
30. computational system
31. merge
32. agree
33. headedness principle
34. binarity principle
35. complementary distribution

۸. منابع

- حیدری، عبدالحسین و افسر روحی (۱۳۹۳). «قلب نحوی در زبان ترکی آذری براساس مدل کاوشگر-هدف برنامه کمینه‌گرایی». ***جستارهای زبانی***. د۵. ش۱ (پیاپی۱۷). بهار. صص۲۷-٤٤.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۰). ***زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی***. چاپ پنجم، تهران: سمت.
- زاهدی، کیوان (۱۳۸۸). «زبان، تفکر و فرهنگ: دیدگاه‌ها و برهان‌ها». ***فصلنامهٔ تحقیقات فرهنگی***. ش۵. بهار. صص۱۷-٤٥.
- صحرایی، رضا (۱۳۸۹). «گروه حرف تعریف درزبان فارسی». ***فصلنامهٔ زبان و ادب پارسی***. ش٤٥. پاییز. صص۱۲۹-۱۵۷.
- کوک، وی‌جی و مارک نیوسان (۱۳۸۹). ***دستورزبان جهانی چامسکی***. ترجمهٔ ابراهیم چگنی، تهران: رهنما.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- گلفام، ارسلان (۱۳۹۰). ***اصول دستور زبان***. تهران: سمت.
- مشکوةالدینی، مهدی (۱۳۹۰). ***دستور زبان فارس واژگان و پیوندهای ساختی***. تهران: سمت.
- معظمی، آرزو (۱۳۸۵). ***نحو گروه تعریف در زبان فارسی***. پایان‌نامهٔ دکتری رشته زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تهران.

References:

- Abney, S.P. (1987). *The English Noun Phrase in its Essential Aspect*. Ph.D. Dissertation. MIT.
- Alexiadou, A.; L. Haegeman & M. Stavrou (2007). *Noun Phrase in the Generative Perspective*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Bašić, M. (2004). *Nominal Subextractions and the Structure of NPs in Serbian and English*. M.A. Dissertation. University of Tromsø.
- Boeckx, C. (2006). *Linguistic Minimalism: Origins, Concepts, Methods, and Aims*. New York: Oxford University Press Inc.
- Bošković, Ž. (2005). "On the locality of left branch extraction and the structure of NP". *Studia Linguistica.* 59.
- ---------- (2008). "What will you have, DP or NP?". *Proceedings of NELS*.37.
- Chomsky, N. (1970). "Remarks on nominalization". In R. Jacobs & P.Rosenbaum (Eds.). *Readings In English Transformational Grammar* .Pp.184-221. Mass: Ginn, Waltham.
- ---------- (1995). *The Minimalist Program*. Cambridge. Mass: MIT Press.
- Cook, V. J. & M. Newson (2010). *Chomsky's Universal Grammar*. Translated by: Ebrahin Chegeni. Tehran: Rahnama [In Persian].
- Corver, N. (1990). *The Syntax of Left Branch Extractions*. Dissertation. Catholic University of Brabant, Tilburg.
- Culicover, P. W. & R. Jackendoff (2005). *Simpler Syntax*. Oxford: Oxford University Press.
- Dabir-Moghaddam, M. (2011). *Theoretical Linguistics: Emergence and Development of Generative Grammar* . Tehran: SAMT [In Persian].

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- Despić, M. (2009). "On the structure of the Serbo-Croatian noun phrase evidence from Binding". In *Proceedings of the Formal Approaches to Slavic Linguistics.* The Yale Meeting .Pp. 17-32. Ann Arbor : Michigan Slavic Publications.
- Golfam, A. (2011). *The Principles of the Grammar*. Theran: SAMT [In Persian].
- Heydari, A. & A. Rouhi (2014). "Scrambling in Azari Turkish language based on probe-goal model of minimalist program". *Language Related Research.* Vol. 5. No. 1. Pp. 25-44 [In Persian].
- Hornstein, N. J. & K. K. Grohmann (2005). *Understanding Minimalist*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Jakendoff, R. (1977). *X-Syntax: A Study of Phrase Structure*. Cambridge. Mass: MIT Press.
- Meshkatodini, M. (2011). *The Grammar of Persian Language: Lexicon and Constructional Links*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Moazzami, A. (2006). *The Syntax of the Persin Determiner Phrase.* Ph.D. Dissertation. Tehran: University of Tehran [In Persian].
- Progovac, L. (1998). "Determiner phrase in a language without determiners". *Journal of Linguistics* 34. pp. 165-179.
- Radford, A. (1997). *Syntactic Theory and the Structure of English: A Minimalist Approach*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ---------- (2004). *English Syntax: An Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rutkowski, P. (2002). "Noun/Pronoun asymmetries: Evidence in support of the DP hypothesis in Polish". *Jezikoslovlie* 3(1/2). Pp. 159-170.
- Sahra'I, R. , M. (2010). "Determiner Phrase in Persian". *Iranian Journal of Persian Language and Literature*. No. 45. pp.129-157 [In Persian].
- Zahedi, K. (2009a). "Language, thought and culture: Views and arguments". *Iranian Journal of Cultural Research*. No. 5. Pp. 17-45 [In Persian].
- Zlatić, L. (1997). *The Structure of the Serbian Noun Phrase*. Ph.D. Dissertation. University of Texas at Austin.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

دوماهنامهٔ جستارهای زبانی
د۷، ش۲ (پیاپی ۳۰)، خرداد و تیر ۱۳۹۵، صص۲۲۳-۲۴۳

بررسی معنایی، نحوی و کاربردشناختی سببی‌های مرکب در ترکی آذری

نساء نبی‌فر*

استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، آذربایجان شرقی، ایران

دریافت: ۹۳/۹/۸ پذیرش: ۹۳/۱۲/۲۳

چکیده

این مقاله در پی این است که آیا طبقه‌بندی ون‌ولین[1] و ویژگی‌های موردنظر وی در ترکی آذری وجود دارد یا نه. داده‌ها در این پژوهشِ توصیفی‌ـتحلیلی، از زبان گفتاری گردآوری شده و پس از واج‌نگاری، ازنظرِ معنایی، نحوی و کاربردشناختی تحلیل شده‌اند. مهم‌ترین نتیجهٔ به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان داده که سببی‌های گروه دوم و امریِ موردنظر ون‌ولین در زبان ترکی آذری وجود دارند. همچنین پیوند ویژه‌ای میان ویژگی‌های نحوی، معنایی و کاربردشناختی سببی‌های فاعلی‌ـفاعلی و فاعلی‌ـمفعولی و سلسله‌مراتب معنایی درون‌بندی وجود دارد. مقایسهٔ سببی‌های مرکب شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را نشان می‌دهند؛ به‌عبارتی، در همهٔ گروه‌های بررسی‌شدهٔ دارای معنای سببی، کنش‌گر نقشِ تأکید محدود و برتری موضوع نحوی را دارد. سببی فاعلی‌ـفاعلی و فاعلی‌ـمفعولی باواسطه رابطهٔ ضعیف سببی را بیان می‌کنند؛ حال‌آنکه، سببی‌های فاعلی‌ـمفعولی بی‌واسطه مفهوم سببی قوی را نشان می‌دهند. هدف از این پژوهش بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های معنایی، نحوی و کاربردشناختی سببی‌های مرکب فاعلی‌ـفاعلی و فاعلی‌ـمفعولی از دیدگاه دستور نقش‌وارجاع ون‌ولین (2008a) است تا با بررسی معنایی، نحوی و کاربردشناسی سببی‌های مرکب به تعیین و تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های سببی‌های مرکب براساس طبقه‌بندی ون‌ولین از سببی‌ها مرکب بپردازد.

کلیدواژه‌ها: سببی‌سازی، سببی‌های فاعلی‌ـفاعلی، سببی‌های فاعلی‌ـمفعولی، روابط معنایی درون‌بندی.

۱. مقدمه

در میان نظریه‌های زبان‌شناختی، سه دیدگاه بنیادی ــ دربارهٔ آنچه زبان را تشکیل می‌دهد ــ وجود دارد. نخستین نظریهٔ مسلط، دیدگاه صورت‌گرا[2] است. این دیدگاه فقط به جنبه‌های صوری زبان می‌پردازد و بیشتر با نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی تداعی می‌شود. دیدگاه دوم، نظریهٔ نقش‌گرایی زبان است که منکر هرنوع ارتباط با جنبهٔ صوری زبان است. این دیدگاه مربوط به نظریه‌های افراطی نقش‌گرا،

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: nesanabifar12@yahoo.com

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]